

تحلیل جنسیتی ثبات اشتغال در ایران

مریم جوادی، فاطمه هرنندی و زهره فلاح محسن‌خانی*

پژوهشکده‌ی آمار

چکیده: در این مقاله، عوامل مؤثر بر افزایش احتمال غیر شاغل شدن یک فرد شاغل طی یک سال با رویکردی جنسیتی و از دو جنبه‌ی «تغییر وضعیت اشتغال به بیکاری» و «تغییر وضعیت اشتغال به غیر فعالی (خروج از بازار کار)» بررسی شده است. داده‌های پانلی مورد استفاده در این مقاله، نتایج آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران در دو فصل بهار ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵ بوده و به منظور تعیین عوامل مؤثر بر تغییر وضعیت اشتغال افراد شاغل، از مدل پروبیت استفاده شده است. یافته‌های بررسی نشان می‌دهد جنسیت، عامل موثری بر ثبات اشتغال است، به این ترتیب که در مجموع، ثبات اشتغال برای زنان شاغل کم‌تر از مردان شاغل است و زن بودن، احتمال خروج از اشتغال به غیر فعالی یا به عبارت دیگر خروج از بازار کار را حدود ۲۰ درصد افزایش می‌دهد. ثبات اشتغال به طور کلی برای ساکنان مناطق روستایی، مهاجران، دارندگان تحصیلات دانشگاهی، شاغلان در کارگاه‌های دارای ۵ نفر کارکن و بیشتر و بیمه‌شده‌ها بیشتر است. در مورد زنان شاغل، ثبات اشتغال زنان روستایی، زنان مهاجر، زنان مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی و زنان بیمه‌شده بیشتر است. نکته‌ی دیگر این‌که ازدواج، ثبات اشتغال مردان را افزایش ولی ثبات اشتغال زنان را کاهش می‌دهد.

واژگان کلیدی: ثبات اشتغال؛ شاغل؛ بیکار؛ غیر فعال؛ مدل پروبیت.

۱- مقدمه

وقوع پدیده‌ی انفجار جمعیت در دهه‌ی ۶۰ و تأثیر آن بر بازار کار از یک‌سو و شرایط رکود- تورمی اقتصاد کشور از سوی دیگر، بحث اشتغال و بیکاری را به یکی از دغدغه‌های اساسی سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان کشور تبدیل کرده است، به طوری که ایجاد

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات

دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۰، پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱.

فرصت‌های شغلی مورد نیاز برای حل معضل بیکاری، به یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های دولت و مجلس شورای اسلامی تبدیل شده است [۹].

یکی از پیش‌نیازهای ایجاد و توزیع مناسب فرصت‌های شغلی برای زیرگروه‌های مختلف جامعه، آگاهی از میزان ثبات اشتغال در هر یک از این زیرگروه‌ها است که با بررسی‌های انجام‌شده به‌نظر می‌رسد در این رابطه، مطالعه‌ای انجام نشده است. یکی از مهم‌ترین زیرگروه‌های جامعه، زنان هستند و یکی از مطرح‌ترین مسائل آنان به‌ویژه در سالیان اخیر، موضوع اشتغال آنان است.

در این مقاله، با استفاده از داده‌های پانلی حاصل از آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران (برای افراد یکسان در دو فصل یکسان از دو سال متوالی یعنی بهار ۸۴ و بهار ۸۵)، موضوع ثبات اشتغال در ایران مورد توجه قرار گرفته و عوامل مؤثر بر غیر شاغل شدن افراد شاغل، از دو جنبه‌ی «تغییر وضعیت اشتغال به بیکاری» و «تغییر وضعیت اشتغال به غیر فعالی (خروج از بازار کار)» با تمرکز بیشتر بر الگوی تغییر وضعیت اشتغال زنان و مقایسه‌ی آن با مردان بررسی شده است. سؤالاتی که قرار است در این مقاله به آن‌ها پاسخ داده شود عبارت‌اند از:

- آیا جنسیت در ثبات اشتغال مؤثر است؟
 - آیا ویژگی‌های فردی نظیر سن، مدرک تحصیلی، وضع تأهل و امثال آن، ویژگی‌های خانواری نظیر محل سکونت خانوار و تعداد اعضای خانوار و ویژگی‌های شغلی نظیر، گروه عمده‌ی شغلی، وضع شغلی، بخش فعالیت، تعداد کارکنان محل کار و بیمه بودن در ثبات اشتغال مؤثر هستند؟
- و سرانجام در صورت مؤثر بودن هر یک از عوامل بالا، کدام عوامل موجب افزایش و کدام یک موجب کاهش احتمال تغییر وضعیت اشتغال به بیکاری و غیر فعالی برای مردان و زنان می‌شوند و هر کدام به چه میزان مؤثر هستند؟ و به تعبیر کلی‌تر، چه تفاوتی بین الگوی تغییر وضعیت اشتغال مردان و زنان وجود دارد؟

۲- چارچوب نظری

اشتغال زنان، از دیدگاه مدافعان برابری حقوق زنان و مردان، موجب افزایش قدرت آن‌ها و تضعیف نابرابری‌های جنسیتی می‌شود و از دیدگاه اقتصاددانان، افزایش اشتغال زنان با

افزایش سرمایه‌ی انسانی رابطه‌ی مستقیم دارد و می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشور محسوب شود. لذا موضوع حضور زنان در بازار کار به ویژه در سال‌های اخیر بیش‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

تصمیم زنان برای حضور در بازار کار تابع عوامل متعددی است که برخی از آن‌ها در قالب نظریه‌های مختلف اقتصادی بیان شده است. به‌عنوان مثال بر اساس نظریه‌ی شکاف دستمزد مردان و زنان، با کم‌تر شدن شکاف دستمزد زنان و مردان در بازار کار، بهره‌وری زنان در بیرون از خانه (بازار کار) بیش‌تر و در نتیجه تمایل آنان به کار در خانه کم‌تر و به حضور در بازار کار بیش‌تر شده است، و یا بر اساس نظریه‌ای دیگر، ظهور فن‌آوری جدید در لوازم خانگی، موجب شده است که زنان بتوانند زمان بیش‌تری را برای حضور در بازار کار تخصیص دهند یا در نظریه‌ای دیگر، توسعه‌ی روش‌های پیشگیری از حاملگی به ویژه ظهور قرص‌های ضد بارداری، موجب جهش ناگهانی در سطح سرمایه‌ی انسانی زنان و گسترش حضور آنان در بازار کار شده است. فرضیات دیگری نیز وجود دارد مثلاً این‌که با افزایش دستمزد شوهران، عرضه‌ی نیروی کار زنان کم‌تر می‌شود و به‌همین دلیل در سال‌های اخیر به‌علت افزایش مشکلات اقتصادی به‌ویژه در حوزه‌ی مسکن، و در نتیجه کم‌تر شدن قدرت خرید خانوارها، تمایل زنان برای حضور در بازار کار به‌منظور کمک به تأمین هزینه‌ی خانوار بیش‌تر شده است [۶]. همه‌ی این موارد می‌توانند در تصمیم‌گیری زنان برای ورود به بازار کار دخیل باشند، اما ادامه‌ی حضور زنان در بازار کار می‌تواند از عوامل دیگری نیز تأثیر پذیرد که بخشی از آن‌ها نیز مستقل از تمایل یا عدم تمایل آنان است. به نظر می‌رسد برخی ویژگی‌های فردی، خانواری و شغلی زنان و در مواردی نیز سنت‌ها و شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه و یا حتی بعضی قوانین به ظاهر به نفع زنان شاغل نیز بر ثبات شغلی زنان تأثیرگذار هستند.

در رابطه با بازار کار ایران مطالعات توصیفی و تحلیلی متعددی انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به [۲-۵] و [۱۰-۱۴] اشاره نمود. اما وجه مشترک عموم مطالعات انجام‌شده این است که یا موضوع از دیدگاه کلان مورد توجه قرار گرفته و تحلیل‌ها با بهره‌گیری از شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار که برآوردهای تجمیع‌یافته هستند، انجام شده و یا این‌که چنانچه موضوع از دیدگاه خرد و در سطح خانوارها یا افراد مطرح شده، برای تحلیل از داده‌های مقطعی استفاده شده است. اما آنچه که مد نظر این مقاله است، مطالعه‌ی طولی وضعیت ثبات اشتغال در ایران و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه جنسیتی،

به‌ویژه بررسی تفاوت‌های احتمالی الگوی جنسیتی حاکم بر آن با استفاده از داده‌های پانلی است.

۳- روش تحقیق

در این مقاله، با بهره‌گیری از داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران، تغییر وضعیت اشتغال افراد شاغل طی یک سال، به‌عنوان متغیر پاسخ مد نظر گرفته شده و تأثیر برخی متغیرهای مؤثر بر آن با استفاده از مدل پروبیت بررسی شده است. در مرحله اول، احتمال غیر شاغل شدن یک فرد شاغل طی یک سال (اعم از این‌که بیکار شده باشد یا این‌که غیر فعال شده و به‌طور کلی از نیروی کار خارج شده باشد)، در مرحله دوم، احتمال بیکار شدن یک فرد شاغل طی یک سال، و در مرحله سوم، احتمال غیر فعال شدن و به عبارت دیگر احتمال خروج یک فرد شاغل از نیروی کار طی یک سال مورد توجه قرار گرفته است. احتمال تغییر وضعیت اشتغال افراد در هر یک از مراحل مورد اشاره، به تفکیک مرد و زن و با ثابت نگه داشتن متغیرهای مورد نظر در همه‌ی مدل‌ها (به‌منظور مقایسه‌ی نقش متغیرها در سه وضعیت) بررسی شده است.

۳-۱- معرفی طرح آمارگیری از نیروی کار

طرح آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران به‌صورت فصلی برای حدود ۴۵ هزار خانوار نمونه انجام می‌شود. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای دو مرحله‌ای با طبقه‌بندی است و از نمونه‌گیری چرخشی با الگوی ۲-۲-۲ استفاده می‌شود. یعنی از هر خانوار نمونه، دو فصل متوالی آمارگیری می‌شود سپس موقتاً برای دو فصل متوالی از نمونه خارج می‌شود و بعد مجدداً برای دو فصل متوالی دیگر به نمونه باز می‌گردد و پس از آن برای همیشه از نمونه خارج می‌شود. خانوارها و افراد طی سه مرحله وزن‌دهی می‌شوند. این مراحل عبارت‌اند از: اعمال وزن پایه (عکس احتمال انتخاب)، تعدیل وزن پایه برای بی‌پاسخی و تعدیل وزن بر اساس پیش‌بینی‌های جمعیتی. جزئیات بیشتر در مورد طرح نمونه‌گیری در نشریات نتایج آمارگیری نیروی کار ایران [۷] ارایه شده است.

۲-۳- معرفی مدل پروبیت

در مطالعاتی که متغیر پاسخ دو حالتی است (موفقیت: ۱، شکست: ۰) برای مدل‌سازی احتمال موفقیت بر اساس متغیرهای مستقل، با فرض تبعیت تابع احتمال متغیر پاسخ از فرم تابع احتمال خانواده‌ی نمایی، می‌توان از مدل‌های خطی تعمیم‌یافته استفاده کرد [۱]. به‌همین منظور باید تابع ربطی یافت که برد تابع معکوس آن‌ها در محدوده‌ی [۱ و ۰] قرار گیرد [۱ و ۱۵]. توزیع‌های تجمعی متغیرهای پیوسته از این نوع توابع هستند و یک حالت خاص آن، تابع تجمعی نرمال استاندارد است که مبنای تعریف مدل پروبیت قرار گرفته است [۱۵].

مدل پروبیت در حالت کلی عبارت است از: $\Pr(y_i = 1 | x_i) = \Phi(x_i b)$ که در آن، y_i متغیر پاسخ برای فرد i ام، x_i بردار متغیرهای تبیینی برای فرد i ام، b بردار ضرایب و Φ تابع توزیع تجمعی نرمال استاندارد است.

یکی از روش‌های تفسیر مدل پروبیت، محاسبه‌ی تغییر در احتمال موفقیت متغیر پاسخ به ازای تغییر در متغیر تبیینی مورد نظر است. به‌عنوان مثال در یک متغیر تبیینی دو حالتی، تغییر در احتمال موفقیت متغیر پاسخ، از تفاضل احتمال‌های موفقیت به ازای دو سطح متغیر تبیینی مورد بررسی با فرض ثابت ماندن سایر متغیرهای تبیینی (میانگین یا رده‌ی مبنای) به دست می‌آید.

در این مقاله، برای برآزش مدل پروبیت از نرم‌افزار STATA و دستور dprobit استفاده شده است که برای محاسبه‌ی تغییر در احتمال موفقیت متغیر پاسخ، از رابطه‌ی $\partial \Phi / \partial x_i = f(\bar{x}b) b_j$ به‌عنوان تقریبی از تفاضل احتمال‌های موفقیت متغیر پاسخ به ازای دو سطح متغیر تبیینی مورد نظر استفاده می‌کند [۱۶]. لازم به ذکر است متغیرهای تبیینی k رده‌ای ($k > 2$)، قبل از ورود به مدل به $k - 1$ متغیر دو حالتی تبدیل شده‌اند.

۳-۳- داده‌ها، متغیرها و تعاریف مورد استفاده

داده‌های مورد استفاده در این مقاله، نتایج آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران در دو فصل یکسان از دو سال متوالی، بهار ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵ می‌باشد که ۵۰ درصد از خانوارهای نمونه‌ی بهار ۱۳۸۴ در نمونه‌ی بهار ۱۳۸۵ نیز حضور داشته‌اند. علت انتخاب

این سال‌ها، پایا بودن شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار در این دو سال است [۸]. به‌منظور حفظ اصل ثابت ماندن خانوارهای نمونه‌ی مشترک در دو فصل، در مرحله‌ی نخست، خانوارهای جایگزین و در مرحله‌ی دوم، افراد دارای اطلاعات ناسازگار سن و جنس در دو فصل، از مجموعه‌ی مورد بررسی، حذف شدند. در مرحله‌ی سوم، هرگونه ناسازگاری بین اطلاعات مربوط به یک فرد در دو فصل، به‌عنوان داده‌ی گمشده در نظر گرفته شد. در نهایت، از مجموعه داده‌های مربوط به افراد نمونه‌ی مشترک در دو فصل، افراد ۱۰ ساله و بیش‌تری که در بهار ۱۳۸۴ شاغل بوده‌اند، انتخاب شدند (۱۵۰۶۵ نفر) و بسته به این‌که این افراد در بهار ۱۳۸۵، هم‌چنان شاغل باقی مانده‌اند یا نه، متغیر دو حالتی پاسخ (ثبات اشتغال دارد (شاغل - شاغل): ۰، ثبات اشتغال ندارد (شاغل - غیر شاغل): ۱) تعریف شد. هم‌چنین به‌منظور بررسی این موضوع که بی‌ثباتی در اشتغال، منجر به بیکاری شده یا این که منتهی به خروج از بازار کار شده دو حالت دیگر نیز در نظر گرفته شد. برای بررسی تغییر وضعیت اشتغال به بیکاری، متغیر دو حالتی پاسخ (شاغل - شاغل): ۰، شاغل - بیکار: ۱) و برای بررسی تغییر وضعیت اشتغال به غیر فعالی، متغیر دو حالتی پاسخ (شاغل - شاغل): ۰، شاغل - غیر فعال: ۱) تعریف شد. در هر حالت، ابتدا موضوع برای کل جمعیت و سپس به تفکیک جنس بررسی شد و به این ترتیب ۹ مدل ارائه شد.

متغیرهای نوع محل سکونت، بُعد خانوار، بستگی فرد با سرپرست خانوار، جنس، سن در دوره‌ی دوم، وضع مهاجرت در دوره‌ی دوم، وضع تحصیل، دوره یا مدرک تحصیلی در دوره‌ی دوم، وضع تأهل، فعالیت اصلی محل کار، گروه عمده‌ی شغلی، وضع شغلی، تعداد کارکنان محل کار، مدت اشتغال در شغل اصلی و وضعیت بیمه‌ی درمانی به واسطه‌ی شغل اصلی در دوره‌ی اول به‌عنوان متغیرهای تبیینی رده‌بندی‌شده، در مدل‌بندی تغییر وضعیت اشتغال مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در این مقاله، منظور از ثبات اشتغال، باقی ماندن در وضعیت اشتغال (فارغ از نوع آن) طی دوره‌ی مورد بررسی است. به این ترتیب چنان‌چه فردی در بهار ۱۳۸۴ شاغل بوده و در بهار ۱۳۸۵ نیز شاغل باقی مانده باشد، از ثبات اشتغال برخوردار بوده و در غیر این صورت چنان‌چه بیکار شده یا غیر فعال شده و به‌طور کلی از بازار کار خارج شده باشد، از ثبات در اشتغال برخوردار نبوده است.

سایر تعاریف و مفاهیم اقلام آماری مورد استفاده در این مقاله نظیر شاغل، بیکار، غیر فعال، مهاجر و ... منطبق با استانداردهای مرکز آمار ایران است که جزییات آن در نشریات فصلی و سالانه‌ی نتایج آمارگیری از نیروی کار ارائه شده است [۷].

۴- یافته‌ها

خلاصه‌ی نتایج برآورد پارامترها در جداول ۱ تا ۳ ارائه شده است. جدول ۱ مربوط به بررسی عوامل مؤثر بر خروج از اشتغال به‌طور کلی است (چه منجر به بیکاری شده چه منجر به خروج از بازار کار شده باشد). جدول ۲ مربوط به تغییر وضعیت فرد از اشتغال به بیکاری و جدول ۳ مربوط به تغییر وضعیت فرد از اشتغال به غیر فعالی است. نتایج جداول ۲ و ۳ در تفسیر نتایج جدول ۱ از این نظر کمک می‌کند که می‌توان تعیین نمود کدام یک از عوامل مؤثر بر خروج از اشتغال، منجر به بیکاری فرد و کدامیک منتهی به خروج او از بازار کار می‌شود.

به‌منظور ایجاد قابلیت مقایسه، در همه‌ی مدل‌ها، متغیرهای یکسان مورد استفاده قرار گرفته است (هرچند در جدول دوم که تغییر وضعیت فرد از اشتغال به بیکاری مطرح است، در مدل مربوط به زنان، در بعضی از سطوح، حجم نمونه برای محاسبات کافی نبوده است و از آرایه‌ی مدل برای این زیرگروه چشم‌پوشی شده است).

در هر جدول، نتایج برای کل، و به تفکیک مرد و زن ارائه شده است. هر یک از مقادیر برآوردشده، بیان‌گر میزان تغییر در احتمال غیر صفر شدن متغیر پاسخ (خروج از اشتغال)، به ازای تغییر در سطح متغیر تبیینی مربوط $(\partial\Phi/\partial x_j)$ با فرض ثابت ماندن سایر متغیرها است که $-P$ مقدار آن نیز به‌منظور بررسی معنی‌دار بودن و یا نبودن آن برآورد از نظر آماری، ارائه شده است. به این ترتیب برآوردهای ارائه‌شده در جدول ۱، بیان‌گر میزان تغییر در احتمال غیر شاغل شدن یک فرد شاغل در طول یک سال، برآوردهای ارائه‌شده در جدول ۲، بیان‌گر میزان تغییر در احتمال بیکار شدن یک فرد شاغل در طول یک سال و برآوردهای ارائه‌شده در جدول ۳، بیان‌گر میزان تغییر در احتمال غیر فعال شدن یک فرد شاغل در طول یک سال و به‌طور کلی خروج او از نیروی کار در نتیجه‌ی تغییر متغیر تبیینی یا مجازی مربوط از سطح ۰ به ۱ آن می‌باشد. منفی بودن علامت برآوردها، گویای تأثیر کاهشی متغیر بر احتمال خروج از اشتغال و به‌عبارت دیگر بیان‌گر تأثیر مثبت متغیر مربوط در ثبات اشتغال است.

جدول ۱- نتایج برآورد میزان تغییر در احتمال غیر شاغل شدن افراد شاغل برای کل جامعه به تفکیک جنس با استفاده از مدل پروبیت

زن		مرد		کل		نام متغیر
میزان تغییر در احتمال P مقدار	میزان تغییر در احتمال	میزان تغییر در احتمال P مقدار	میزان تغییر در احتمال	میزان تغییر در احتمال P مقدار	میزان تغییر در احتمال	
۰/۰۰	-۰/۱۴۹	۰/۰۳	-۰/۰۲۱	۰/۰۰	-۰/۰۴۲	محل سکونت (آبادی)
پنج نفر و بیش‌تر (مبنای مقایسه)						
۰/۵۲	۰/۰۹۳	۰/۵۴	۰/۰۳۱	۰/۱۵	۰/۰۷۷	یک نفر
۰/۹۵	۰/۰۰۳	۰/۲۱	۰/۰۱۸	۰/۱۶	۰/۰۲۱	دو نفر
۰/۷۱	۰/۰۱۲	۰/۶۹	-۰/۰۰۵	۰/۸۶	۰/۰۰۲	سه نفر
۰/۱۴	-۰/۰۴۱	۰/۲۵	-۰/۰۱۱	۰/۱۴	-۰/۰۱۵	چهار نفر
۰/۰۵	۰/۰۹۰	-۰/۱۹	-۰/۰۲۵	۰/۰۰	۰/۰۶۰	بستگی با سرپرست (غیر سرپرست بودن در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)
				۰/۰۰	۰/۱۶۴	جنس (زن)
۲۵ تا ۵۴ ساله (مبنای مقایسه)						
۰/۰۳	۰/۲۰۰	۰/۰۰	۰/۱۵۵	۰/۰۰	۰/۱۶۴	۱۰ تا ۱۴ ساله
۰/۶۲	۰/۰۱۹	۰/۱۶	۰/۰۲۲	۰/۲۸	۰/۰۱۵	۱۵ تا ۲۴ ساله
۰/۰۱	۰/۱۰۴	۰/۰۰	۰/۱۲۰	۰/۰۰	۰/۱۱۳	۵۵ ساله و بیش‌تر
۰/۰۴	-۰/۱۴۶	۰/۰۶	-۰/۰۳۵	۰/۰۱	-۰/۰۵۳	وضع مهاجرت (مهاجر بودن)
۰/۰۰	۰/۲۶۱	۰/۰۰	۰/۳۱۳	۰/۰۰	۰/۳۰۸	وضع تحصیل (محصل بودن در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)
متوسطه (مبنای مقایسه)						
۰/۶۹	۰/۰۴۷	۰/۵۰	-۰/۰۲۲	۰/۸۱	-۰/۰۰۹	بیسواد
۰/۹۲	۰/۰۱۲	۰/۱۰	-۰/۰۵۴	۰/۱۷	-۰/۰۵۰	راهنمایی و کم‌تر
۰/۸۳	-۰/۰۲۵	۰/۱۵	-۰/۰۴۳	۰/۱۸	-۰/۰۴۶	دیپلم پیش‌دانشگاهی
۰/۲۶	-۰/۱۲۹	۰/۰۹	-۰/۰۵۰	۰/۰۳	-۰/۰۷۴	فوق دیپلم لیسانس
۰/۰۸	-۰/۲۵۱	۰/۰۱	-۰/۰۸۷	۰/۰۰	-۰/۱۱۶	فوق لیسانس دکترا
۰/۰۳	۰/۰۷۲	۰/۰۰	-۰/۱۰۰	۰/۹۳	-۰/۰۰۱	وضع تأهل (حداقل یک‌بار ازدواج کرده در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)
بخش خدمات (مبنای مقایسه)						
۰/۰۱	۰/۲۴۰	۰/۴۹	-۰/۰۱۳	۰/۰۶	۰/۰۴۱	بخش کشاورزی
۰/۰۳	-۰/۱۴۹	۰/۱۴	۰/۰۱۸	۰/۲۲	۰/۰۱۷	بخش صنعت

ادامه‌ی جدول ۱- نتایج برآورد میزان تغییر در احتمال غیر شاغل شدن افراد شاغل برای کل جامعه به تفکیک جنس با استفاده از مدل پروبیت

زن		مرد		کل		نام متغیر
مقدار P	میزان تغییر در احتمال	مقدار P	میزان تغییر در احتمال	مقدار P	میزان تغییر در احتمال	
قانون‌گذاران مقامات عالی‌رتبه و مدیران (مبنای مقایسه)						
۰/۱۴	۰/۱۷۰	۰/۰۰	-۰/۰۶۸	۰/۰۰	-۰/۱۰۶	متخصصان
۰/۰۲	۰/۲۹۳	۰/۰۰	-۰/۰۸۰	۰/۰۰	-۰/۰۹۳	تکنسین‌ها و دستیاران
۰/۸۴	۰/۰۲۶	۰/۰۰	-۰/۰۶۹	۰/۰۰	-۰/۱۰۷	کارمندان امور اداری و دفتری
۰/۳۸	۰/۱۱۳	۰/۰۰	-۰/۰۹۲	۰/۰۰	-۰/۱۰۹	کارکنان خدماتی و فروشندگان
۰/۹۹	-۰/۰۰۲	۰/۰۱	-۰/۰۶۶	۰/۰۰	-۰/۱۱۳	کارکنان ماهر کشاورزی ماهیگیری و جنگلداری
۰/۰۳	۰/۳۰۸	۰/۰۰	-۰/۰۸۶	۰/۰۰	-۰/۱۰۵	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط
۰/۲۷	۰/۲۳۸	۰/۰۰	-۰/۰۶۲	۰/۰۰	-۰/۰۸۰	متصدیان ماشین‌آلات مونتاژکارها رانندگان وسایل نقلیه
۰/۳۱	۰/۱۴۸	۰/۰۰	-۰/۰۷۲	۰/۰۰	-۰/۰۸۶	کارگران ساده
مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی (مبنای مقایسه)						
۰/۰۰	۰/۲۸۶	۰/۹۳	۰/۰۰۲	۰/۰۹	۰/۰۳۶	خوداشتغال (کارفرما کارکن مستقل)
۰/۰۰	۰/۲۵۵	۰/۳۶	۰/۰۲۱	۰/۰۰	۰/۰۷۸	کارکن فامیلی بدون مزد کارآموز بدون مزد
۰/۰۰	۰/۲۴۷	۰/۰۱	۰/۰۴۳	۰/۰۰	۰/۰۷۳	مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی تعاونی و کارآموز با مزد
۰/۳۱	-۰/۰۳۴	۰/۰۲	-۰/۰۲۶	۰/۰۱	-۰/۰۲۸	تعداد کارکنان محل کار (۵ نفر و بیش‌تر)
مدت ۱۵ سال و بیش‌تر (مبنای مقایسه)						
۰/۰۰	۰/۱۳۵	۰/۰۰	۰/۰۳۹	۰/۰۰	۰/۰۵۸	کم‌تر از ۵ سال
۰/۳۳	۰/۰۳۰	۰/۵۱	-۰/۰۰۹	۰/۶۴	-۰/۰۰۶	۵ تا ۹ سال
۰/۹۴	۰/۰۰۲	۰/۱۲	-۰/۰۲۰	۰/۱۵	-۰/۰۱۸	۱۰ تا ۱۴ سال
۰/۰۴	-۰/۱۰۹	۰/۰۰	-۰/۰۶۲	۰/۰۰	-۰/۰۷۳	بیمه درمانی بودن به واسطه‌ی شغل

جدول ۲- نتایج برآورد میزان تغییر در احتمال بیکار شدن افراد شاغل برای زیرجامه‌ی اول با استفاده از مدل پروبیت

مرد		کل		نام متغیر
مقدار P	میزان تغییر در احتمال	مقدار P	میزان تغییر در احتمال	
۰/۰۰	-۰/۰۱۷	۰/۰۰	-۰/۰۱۸	محل سکونت (آبادی)
پنج نفر و بیش‌تر (مبنای مقایسه)				
۰/۴۸	-۰/۰۱۸	۰/۳۹	-۰/۰۱۷	یک نفر
۰/۸۱	۰/۰۰۲	۰/۴۴	۰/۰۰۶	دو نفر
۰/۶۸	-۰/۰۰۳	۰/۴۲	-۰/۰۰۵	سه نفر
۰/۵۲	۰/۰۰۴	۰/۷۸	۰/۰۰۱	چهار نفر
۰/۹۱	-۰/۰۰۱	۰/۹۰	-۰/۰۰۱	بستگی با سرپرست (غیر سرپرست بودن در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)
		۰/۰۰	-۰/۰۱۷	جنس (زن)
۲۵ تا ۵۴ ساله (مبنای مقایسه)				
۰/۵۱	-۰/۰۱۴	۰/۵۵	-۰/۰۱۰	۱۰ تا ۱۴ ساله
۰/۷۹	-۰/۰۰۲	۰/۴۸	۰/۰۰۴	۱۵ تا ۲۴ ساله
۰/۰۰	-۰/۰۲۱	۰/۰۰	-۰/۰۱۸	۵۵ ساله و بیش‌تر
۰/۴۲	-۰/۰۰۷	۰/۶۵	-۰/۰۰۴	وضع مهاجرت (مهاجر بودن)
۰/۷۱	-۰/۰۰۷	۰/۲۹	-۰/۰۱۳	وضع تحصیل (محصل بودن در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)
متوسطه (مبنای مقایسه)				
۰/۰۰	۰/۹۸۷	#	۰/۹۸۵	بیسواد
۰/۰۰	۰/۶۶۰	۰/۰۰	۰/۶۵۵	راهنمایی و کم‌تر
۰/۰۰	۰/۹۸۱	۰/۰۰	۰/۹۷۴	دیپلم پیش‌دانشگاهی
۰/۰۰	۰/۹۸۶	۰/۰۰	۰/۹۸۳	فوق دیپلم لیسانس
#	۰/۹۷۰	۰/۰۰	۰/۹۷۰	فوق لیسانس دکترا
۰/۰۰	-۰/۰۴۵	۰/۰۰	-۰/۰۳۱	وضع تأهل (حداقل یک‌بار ازدواج کرده در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)
بخش خدمات (مبنای مقایسه)				
۰/۶۳	-۰/۰۰۵	۰/۹۵	-۰/۰۰۱	بخش کشاورزی
۰/۱۷	۰/۰۰۹	۰/۵۸	۰/۰۰۳	بخش صنعت

ادامه‌ی جدول ۲- نتایج برآورد میزان تغییر در احتمال بیکار شدن افراد شاغل برای زیرجامه‌ی اول با استفاده از مدل پروبیت

مرد		کل		نام متغیر	
P مقدار	میزان تغییر در احتمال	P مقدار	میزان تغییر در احتمال		
قانون‌گذاران مقامات عالی‌رتبه و مدیران (مبنای مقایسه)					گروه عمده‌ی شغلی
۰/۰۳	-۰/۰۲۳	۰/۰۳	-۰/۰۱۸	متخصصان	
۰/۰۰	-۰/۰۲۹	۰/۰۷	-۰/۰۱۷	تکنسین‌ها و دستیاران	
۰/۰۰	-۰/۰۲۵	۰/۰۰	-۰/۰۲۲	کارمندان امور اداری و دفتری	
۰/۰۰	-۰/۰۳۴	۰/۰۰	-۰/۰۲۷	کارکنان خدماتی و فروشندگان	
۰/۰۰	-۰/۰۳۰	۰/۰۰	-۰/۰۲۶	کارکنان ماهر کشاورزی ماهیگیری و جنگلداری	
۰/۰۰	-۰/۰۲۹	۰/۰۰	-۰/۰۲۴	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط	
۰/۰۰	-۰/۰۲۴	۰/۰۱	-۰/۰۱۹	متصدیان ماشین‌آلات مونتاژکارها رانندگان وسایل نقلیه	
۰/۰۰	-۰/۰۲۶	۰/۰۱	-۰/۰۲۰	کارگران ساده	
مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی (مبنای مقایسه)					وضع شغلی
۰/۳۴	-۰/۰۰۹	۰/۶۲	-۰/۰۰۴	خود اشتغال (کارفرما کارکن مستقل)	
۰/۵۲	-۰/۰۰۷	۰/۵۰	-۰/۰۰۶	کارکن فامیلی بدون مزد کارآموز بدون مزد	
۰/۱۸	۰/۰۱۱	۰/۰۳	۰/۰۱۶	مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی تعاونی و کارآموز با مزد	
۰/۵۳	-۰/۰۰۴	۰/۵۳	-۰/۰۰۳	تعداد کارکنان محل کار (۵ نفر و بیشتر)	مدت اشتغال در شغل اصلی
۱۵ سال و بیشتر (مبنای مقایسه)					
۰/۰۰	۰/۰۲۷	۰/۰۰	۰/۰۲۷	کم‌تر از ۵ سال	
۰/۷۹	۰/۰۰۲	۰/۷۴	۰/۰۰۲	۵ تا ۹ سال	
۰/۲۳	-۰/۰۰۹	۰/۳۱	-۰/۰۰۶	۱۰ تا ۱۴ سال	
۰/۰۰	-۰/۰۲۷	۰/۰۰	-۰/۰۲۳	بیمه‌ی درمانی به واسطه‌ی شغل	

تعداد نمونه برای انجام محاسبه کافی نیست.

جدول ۳- نتایج برآورد میزان تغییر در احتمال غیر فعال شدن افراد شاغل برای زیرجامعه‌ی دوم به تفکیک جنس با استفاده از مدل پروبیت

نام متغیر	کل		مرد		زن	
	میزان تغییر در احتمال	P مقدار	میزان تغییر در احتمال	P مقدار	میزان تغییر در احتمال	P مقدار
محل سکونت (آبادی)	-۰/۰۲۱	۰/۰۲	-۰/۰۰۲	۰/۰۸۳	-۰/۱۴۲	۰/۰۰
بُعد خانوار	پنج نفر و بیش‌تر (مبنای مقایسه)					
	یک نفر	۰/۰۵۴	۰/۰۲۴	۰/۰۲۸	۰/۰۴۵	۰/۰۹۸
	دو نفر	۰/۰۰۵	۰/۰۶۸	۰/۰۰۷	۰/۰۵۲	-۰/۰۱۹
	سه نفر	۰/۰۰۲	۰/۰۸۴	-۰/۰۰۴	۰/۰۶۵	۰/۰۲۵
بستگی با سرپرست (غیر سرپرست بودن در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم جنس (زن))	چهار نفر	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۳	-۰/۰۳۵
	بستگی با سرپرست (غیر سرپرست بودن در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم جنس (زن))	۰/۰۳۷	۰/۰۰	-۰/۰۳۱	۰/۰۰۴	۰/۰۸۶
سن	۲۵ تا ۵۴ ساله (مبنای مقایسه)					
	۱۰ تا ۱۴ ساله	۰/۰۲۰	۰/۰۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰	۰/۱۸۰
	۱۵ تا ۲۴ ساله	۰/۰۲۲	۰/۰۰۸	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵
وضع مهاجرت (مهاجر بودن)	۵۵ ساله و بیش‌تر	۰/۱۲۹	۰/۰۰	۰/۱۲۹	۰/۰۰	۰/۱۰۴
	وضع تحصیل (محصل بودن در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)	-۰/۰۵۰	۰/۰۰	-۰/۰۲۷	۰/۰۰۴	-۰/۱۷۲
دوره یا مدرک تحصیلی	متوسطه (مبنای مقایسه)					
	بیسواد	-۰/۰۱۹	۰/۰۴۹	-۰/۰۱۹	۰/۰۳۸	۰/۰۷۷
	راهنمایی و کم‌تر	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۸	-۰/۰۴۷	۰/۰۰۴	۰/۰۴۲
	دیپلم پیش‌دانشگاهی	-۰/۰۳۸	۰/۰۱۶	-۰/۰۲۷	۰/۰۱۸	-۰/۰۱۹
	فوق دیپلم لیسانس	-۰/۰۵۵	۰/۰۰۴	-۰/۰۲۶	۰/۰۲۲	-۰/۱۴۳
وضع تأهل (حداقل یک‌بار ازدواج کرده در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)	فوق لیسانس دکترا	-۰/۰۸۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۴۷	۰/۰۰۵	-۰/۲۳۳
	وضع تأهل (حداقل یک‌بار ازدواج کرده در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم)	۰/۰۲۴	۰/۰۰۵	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۷۹
فعالیت اقتصادی	بخش خدمات (مبنای مقایسه)					
	بخش کشاورزی	۰/۰۴۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۶	۰/۰۶۹	۰/۰۲۶۴
	بخش صنعت	۰/۰۱۳	۰/۰۲۹	۰/۰۰۹	۰/۰۳۴	-۰/۱۴۱

ادامه‌ی جدول ۳- نتایج برآورد میزان تغییر در احتمال غیر فعال شدن افراد شاغل برای زیرجامعه‌ی دوم به تفکیک جنس با استفاده از مدل پروبیت

زن		مرد		کل		نام متغیر
میزان تغییر در احتمال P مقدار	میزان تغییر در احتمال	P مقدار	میزان تغییر در احتمال	P مقدار	میزان تغییر در احتمال	
قانون‌گذاران مقامات عالی‌رتبه و مدیران (مبنای مقایسه)						
۰/۲۱	۰/۱۳۷	۰/۰۲	-۰/۰۳۹	۰/۰۰	-۰/۰۶۹	متخصصان
۰/۱۷	۰/۱۸۳	۰/۰۱	-۰/۰۴۲	۰/۰۱	-۰/۰۵۹	تکنسین‌ها و دستیاران
۰/۹۶	۰/۰۰۷	۰/۰۹	-۰/۰۳۲	۰/۰۱	-۰/۰۶۳	کارمندان امور اداری و دفتری
۰/۴۶	۰/۰۹۵	۰/۰۰	-۰/۰۴۹	۰/۰۰	-۰/۰۶۱	کارکنان خدماتی و فروشدگان
۰/۷۵	-۰/۰۴۴	۰/۱۰	-۰/۰۳۳	۰/۰۰	-۰/۰۷۴	کارکنان ماهر کشاورزی ماهگیری و جنگلداری
۰/۰۵	۰/۲۹۰	۰/۰۰	-۰/۰۵۱	۰/۰۱	-۰/۰۶۲	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط
۰/۲۵	۰/۲۴۴	۰/۰۹	-۰/۰۲۹	۰/۰۷	-۰/۰۴۴	متصدیان ماشین‌آلات مونتاژکارها رانندگان وسایل نقلیه
۰/۵۱	۰/۰۹۵	۰/۰۲	-۰/۰۳۸	۰/۰۴	-۰/۰۴۸	کارگران ساده
مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی (مبنای مقایسه)						
۰/۰۰	۰/۲۶۵	۰/۴۰	۰/۰۱۳	۰/۰۱	۰/۰۵۳	خود اشتغال (کارفرما کارکن مستقل)
۰/۰۰	۰/۲۳۷	۰/۰۴	۰/۰۴۳	۰/۰۰	۰/۰۸۶	کارکن فامیلی بدون مزد کارآموز بدون مزد
۰/۰۰	۰/۲۲۱	۰/۰۲	۰/۰۳۴	۰/۰۰	۰/۰۶۳	مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی تعاونی و کارآموز با مزد
۰/۲۷	-۰/۰۳۶	۰/۰۰	-۰/۰۲۷	۰/۰۰	-۰/۰۲۸	تعداد کارکنان محل کار (۵ نفر و بیشتر)
مدت ۱۵ سال و بیشتر (مبنای مقایسه)						
۰/۰۰	۰/۱۲۴	۰/۳۷	۰/۰۰۹	۰/۰۱	۰/۰۲۹	کم‌تر از ۵ سال
۰/۳۳	۰/۰۳۰	۰/۳۳	-۰/۰۱۰	۰/۶۴	-۰/۰۰۵	۵ تا ۹ سال
۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۳	-۰/۰۱۰	۰/۳۸	-۰/۰۰۹	۱۰ تا ۱۴ سال
۰/۱۲	-۰/۰۹۰	۰/۰۰	-۰/۰۳۱	۰/۰۰	-۰/۰۴۵	بیمه‌ی درمانی به واسطه‌ی شغل

..... مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران، سال ۲۴، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۸۷-۱۰۷

۵- تحلیل نتایج

در این قسمت، علاوه بر متغیر جنس، سایر متغیرهای مؤثر بر تغییر وضعیت اشتغال که بر اساس نتایج حاصل از جدول ۱ مقادیر برآورده شده برای آن‌ها از نظر آماری معنی‌دار است، از این نظر که تأثیر آن‌ها از جنبه‌ی بیکار شدن معنی‌دار است یا از جنبه‌ی غیر فعال شدن، با توجه به نتایج جداول ۲ و ۳ مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در جداول ۱ و ۳ مقایسه‌ها به صورت جنسیتی ارائه شده است ولی به علت کم بودن حجم نمونه برای زنان شاغلی که بیکار شده‌اند، از ارائه‌ی مدل برای این زیرگروه صرف نظر شده است.

جنسیت، عامل مؤثری بر ثبات اشتغال است. به این ترتیب که زن بودن، احتمال غیر شاغل شدن را از جنبه‌ی غیر فعال شدن حدود ۲۰ درصد افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر در مجموع، ثبات اشتغال برای زنان شاغل کم‌تر از مردان شاغل است و زنان در صورت از دست دادن اشتغال با احتمال بیشتری به طور کلی از نیروی کار خارج می‌شوند. البته این موضوع، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد از جمله برابر نبودن فرصت‌های شغلی برای زنان و مردان که منجر به محدود شدن زنان برای انتخاب شغل و کم‌تر شدن قدرت چانه‌زنی زنان شاغل با کارفرما و در نتیجه بیشتر شدن انگیزه برای حفظ شغل (حتی در صورت ناراضی بودن) می‌شود. محدودیت‌های پس از ازدواج و مسئولیت‌های خانه‌داری و بچه‌داری نیز از جمله عواملی هستند که می‌توانند احتمال خروج از نیروی کار را در مورد زنان افزایش دهند. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد بیش از ۴۳ درصد زنان شاغل، کارکن فامیلی بدون مزد هستند (در مناطق روستایی، این نسبت بالغ بر ۶۵ درصد می‌باشد) و ۵۲ درصد زنان شاغلی که طی یک سال غیر فعال شده‌اند، کارکن فامیلی بدون مزد بوده‌اند. لذا با توجه به ماهیت این نوع وضعیت اشتغال و بالا بودن سهم آن در اشتغال زنان، یکی از علل اصلی بالاتر شدن احتمال غیر فعال شدن زنان شاغل نسبت به مردان شاغل، می‌تواند این موضوع باشد. سهم زنان خوداشتغال در بین زنانی که طی یک سال غیر فعال شده‌اند نیز بالغ بر ۲۶ درصد است که گویای نامساعد بودن شرایط خوداشتغالی برای زنان است که منجر به خروج آنان از نیروی کار می‌شود.

سکونت در آبادی، احتمال غیر شاغل شدن را از جنبه‌ی بیکار شدن کاهش می‌دهد. سکونت در آبادی در مقایسه با شهر، فقط در مورد زنان، احتمال غیر فعال شدن را کاهش

معنی‌دار می‌دهد که این مقدار کاهش حدود ۱۴ درصد می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت ثبات اشتغال در مناطق روستایی به ویژه برای زنان بیش‌تر از مناطق شهری است. غیر سرپرست بودن، احتمال غیر شاغل شدن را از جنبه‌ی غیر فعال شدن، افزایش معنی‌دار می‌دهد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد افرادی که سرپرست خانوار هستند در مقایسه با افراد غیر سرپرست، انگیزه‌ی بیش‌تری برای استمرار حضور در بازار کار دارند. نوجوان بودن و همین‌طور مسن بودن در مقایسه با میان‌سال بودن، احتمال غیر شاغل شدن را هم برای مردان و هم برای زنان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر ثبات اشتغال برای شاغلانی که در میان‌سالی قرار دارند بیش‌تر از سایرین است.

مهاجر بودن، احتمال غیر شاغل شدن را فقط از جنبه‌ی غیر فعال شدن کاهش معنی‌دار می‌دهد. این میزان کاهش برای زنان مهاجر در مقایسه با مردان مهاجر، حدود ۶ برابر بیش‌تر است. به نظر می‌رسد این پدیده به علت این است که افراد مهاجر از جایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تری در مقایسه با افراد بومی برخوردارند و انگیزه‌ی بیش‌تری برای حفظ اشتغال جاری خود که ممکن است لزوماً مناسب و دلخواه آنان نیز نباشد داشته و تمایل کم‌تری برای ترک اشتغال و به‌طور کلی خروج از نیروی کار دارند که این موضوع به احتمال زیاد ناشی از احساس عدم امنیت اقتصادی آنان (به ویژه زنان) در مقایسه با سایر افراد می‌باشد.

محصل بودن هم در مورد مردان و هم در مورد زنان شاغل، بیش از ۳۰ درصد احتمال غیر فعال شدن را افزایش می‌دهد. میزان تأثیر این عامل بین مردان و زنان، تفاوت معنی‌داری ندارد. همچنین داشتن تحصیلات دانشگاهی در مقطع فوق لیسانس و دکترا در مقایسه با دوره‌ی متوسطه، احتمال غیر شاغل شدن را کاهش معنی‌دار می‌دهد.

ازدواج کرده بودن در هر دو دوره یا دوره‌ی دوم، احتمال غیر شاغل شدن مردان را هم از جنبه‌ی بیکار شدن و هم از جنبه‌ی غیر فعال شدن کاهش می‌دهد ولی بالعکس احتمال غیر شاغل شدن زنان را از جنبه‌ی غیر فعال شدن افزایش می‌دهد. به نظر می‌رسد یک مرد متأهل - که عموماً سرپرست خانوار نیز هست - به دلیل احساس مسئولیت بیش‌تر در تأمین مالی خانواده، تلاش بیش‌تری در جهت حفظ اشتغال خود می‌نماید. در مقابل، یک زن متأهل یا به علت این‌که در اکثر موارد مسئولیت مالی خانوار را بر عهده ندارد انگیزه‌ی کم‌تری در حفظ اشتغال خود خواهد داشت و یا به دلایل فرهنگی هم چون نارضایتی همسر از اشتغال وی، به ناچار به‌طور کلی از نیروی کار خارج خواهد شد. مسئولیت‌های خاص

یک زن متأهل در امور خانه‌داری، همسررداری و بچه‌داری نیز دلیل دیگری است که می‌تواند منجر به خروج از نیروی کار شود.

اشتغال در بخش کشاورزی در مقایسه با بخش خدمات، فقط در مورد زنان، احتمال غیر شاغل شدن را آن هم فقط از جنبه‌ی غیر فعال شدن، بیش از ۲۶ درصد افزایش می‌دهد و اشتغال در بخش صنعت در مقایسه با بخش خدمات نیز فقط در مورد زنان، احتمال غیر شاغل شدن را از جنبه‌ی غیر فعال شدن کاهش می‌دهد که این کاهش احتمال در رابطه با غیر فعال شدن، حدود ۱۵ درصد است. به عبارت دیگر اشتغال زنان در بخش‌های کشاورزی و صنعت در مقایسه با بخش خدمات، به ترتیب دارای ثبات کم‌تر و بیش‌تر به خصوص از جنبه‌ی خروج از نیروی کار می‌باشد.

بررسی‌های بیش‌تر در مورد زنان شاغل در بخش صنعت نشان می‌دهد هر چند ثبات اشتغال زنان در این بخش، بیش‌تر از خدمات است اما واقعیت این است که این ثبات، مربوط به مشاغل غیر صنعت‌گری آن بخش می‌باشد چرا که ۴۳ درصد زنانی که در بخش صنعت دارای مشاغل صنعت‌گری بوده‌اند ظرف یک سال غیر شاغل شده‌اند (اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها شغل خود را ترک کرده‌اند). ۵۲ درصد این افراد، کارکن مستقل و بقیه کارکن فامیلی بدون مزد یا مزدبگیر بخش خصوصی بوده‌اند. این موضوع بیان‌گر شرایط نامساعد جامعه برای اشتغال زنان در مشاغل صنعت‌گری بخش صنعت چه به صورت خوداشتغالی و چه به صورت مزدبگیری در بخش خصوصی است. بررسی‌های بیش‌تر در مورد زنان شاغل در بخش کشاورزی نشان می‌دهد حدود ۸۰ درصد این زنان، کارکن فامیلی بدون مزد، ۱۱ درصد خوداشتغال و ۹ درصد مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی بوده‌اند که طی یک سال حدود ۵۰ درصد هر یک از زیرگروه‌های فوق به‌طور کلی از نیروی کار خارج شده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت کم‌تر بودن ثبات اشتغال برای زنان شاغل در بخش کشاورزی، عمدتاً ناشی از بیش‌تر بودن سهم کارکنان فامیلی بدون مزد در این زیرجامعه می‌باشد.

اشتغال در هر شغلی در مقایسه با مشاغل گروه اول (قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران)، احتمال غیر شاغل شدن مردان را هم از جنبه‌ی بیکار شدن و هم از جنبه‌ی غیر فعال شدن کاهش می‌دهد در صورتی که در مورد زنان، اشتغال در مشاغل گروه سوم (تکنسین‌ها و دستیاران) و مشاغل گروه هفتم (صنعت‌گران) در مقایسه با مشاغل گروه اول، احتمال غیر شاغل شدن آنان را تا حدود ۳۰ درصد افزایش می‌دهد.

مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی بودن در مقایسه با بخش عمومی برای مردان، احتمال غیر شاغل شدن را از جنبه‌ی غیر فعال شدن افزایش می‌دهد اما در مورد زنان، علاوه بر مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی بودن، خوداشتغال بودن و همین‌طور کارکن فامیلی بدون مزد بودن نیز در مقایسه با مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی بودن، احتمال غیر شاغل شدن را ۲۵ الی ۲۸ درصد افزایش می‌دهد و می‌توان گفت در مجموع، در میان همه‌ی وضعیت‌های شغلی، فقط مزد و حقوق‌بگیر بودن در بخش عمومی منجر به ثبات بیش‌تر اشتغال زنان می‌شود.

اشتغال در کارگاه‌های دارای ۵ نفر کارکن و بیش‌تر، در مقایسه با کارگاه‌های دارای کم‌تر از ۵ نفر کارکن، در مورد مردان، احتمال غیر شاغل شدن را آن هم فقط از جنبه‌ی غیر فعال شدن کاهش معنی‌دار می‌دهد.

داشتن سابقه‌ی کار کم‌تر از ۵ سال در مقایسه با سابقه‌ی کار ۱۵ سال و بالاتر، احتمال غیر شاغل شدن را افزایش می‌دهد اما این افزایش احتمال در مورد زنان، حدود ۳/۵ برابر مردان است. این ویژگی، احتمال بیکار شدن مردان را افزایش می‌دهد. داشتن سابقه‌ی کار کم‌تر از ۵ سال فقط در مورد زنان، احتمال غیر فعال شدن را افزایش معنی‌دار می‌دهد. بنا بر این به‌طور کلی ثبات اشتغال در زنان شاغل با سابقه‌ی کم در مقایسه با همین گروه از مردان، کم‌تر است و این ویژگی منجر به ترک شغل و به‌طور کلی خروج آنان از نیروی کار می‌شود. به نظر می‌رسد این پدیده، به‌علت قدرت بیش‌تر مردان در چانه‌زنی با کارفرما است که موجب می‌شود با آسودگی بیش‌تر ریسک از دست دادن شغل را پذیرا شوند و جستجوی کار را تا رسیدن به شغل مناسب ادامه دهند. در مقابل، زنان به‌علت مواجه بودن با محدودیت‌های بیش‌تر در جستجوی کار (ناامن بودن بعضی از محیط‌های کاری، دور بودن محل کار از محل سکونت و شبانه بودن بعضی مشاغل و ...) از قدرت چانه‌زنی کم‌تری برخوردار بوده و بنا بر این در مقایسه با مردان تلاش بیش‌تری برای حفظ اشتغال خود می‌کنند و در صورت از دست دادن اشتغال، به‌علل ذکرشده و علل دیگری از قبیل مسئولیت‌های خانوادگی، به‌طور کلی از نیروی کار خارج می‌شوند.

تحت پوشش بیمه‌ی درمانی بودن، احتمال غیر شاغل شدن را به ویژه برای مردان کاهش می‌دهد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد جنسیت یکی از عوامل مؤثر بر ثبات اشتغال است و احتمال خروج از نیروی کار را حدود ۲۰ درصد افزایش می‌دهد و در مجموع، ثبات اشتغال در زنان شاغل در مقایسه با مردان شاغل، کم‌تر است. نکته‌ی دیگر این است که نه فقط ثبات اشتغال، بلکه الگوی تغییر وضعیت اشتغال نیز بین مردان و زنان شاغل متفاوت است به این ترتیب که بی‌ثباتی اشتغال در زنان، اغلب به خروج از نیروی کار منتهی می‌گردد در حالی که در مردان، بیش‌تر منجر به بیکاری و جستجوی مجدد کار می‌شود. از یافته‌های دیگر این پژوهش این است که عوامل مؤثر بر ثبات اشتغال، بین مردان و زنان یکسان نیست و در بین عوامل مشترک نیز نحوه‌ی تأثیر آن عوامل از این نظر که بر بیکار شدن، خروج از نیروی کار و یا هر دو تأثیر معنی‌دار می‌گذارند، همچنین جهت و شدت آن تأثیر، بین مردان و زنان شاغل تفاوت‌هایی وجود دارد. به‌عنوان مثال، سکونت در آبادی در مقایسه با شهر، ثبات اشتغال را هم برای مردان و هم برای زنان افزایش می‌دهد اما این تأثیر مثبت، برای زنان شاغل به‌طور کلی بیش‌تر و برای مردان شاغل فقط از جنبه‌ی کاهش احتمال بیکار شدن معنی‌دار است. با توجه به توضیحات فوق، عواملی که در این مقاله، تأثیر آن‌ها بر ثبات اشتغال مورد بررسی قرار گرفته است، با توجه به تفاوت نوع تأثیر، جهت و شدت آن‌ها بین مردان و زنان، به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند.

الف) داشتن تحصیلات فوق لیسانس و دکترا در مقایسه با متوسطه، اشتغال در مشاغل هر یک از گروه‌های شغلی در مقایسه با مشاغل گروه اول (قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران) و اشتغال در کارگاه‌های دارای ۵ نفر کارکن و بیش‌تر، عواملی هستند که ثبات اشتغال را فقط برای مردان افزایش معنی‌دار می‌دهند.

ب) خوداشتغالی و کارکن فامیلی بدون مزد بودن در مقایسه با مزدبگیری بخش عمومی، همچنین اشتغال در بخش کشاورزی در مقایسه با خدمات، سه عاملی هستند که تنها در زنان موجب کاهش ثبات اشتغال می‌شوند. اشتغال در بخش صنعت (البته مشاغل غیر صنعتگری بخش) و مهاجر بودن تنها در زنان موجب افزایش ثبات اشتغال می‌گردد.

ج) ازدواج، عاملی است که ثبات اشتغال مردان را به طور کلی افزایش ولی ثبات اشتغال زنان را کاهش و آنان را به سمت غیر فعال شدن، سوق می‌دهد. اشتغال در مشاغل گروه‌های عمده‌ی شغلی سوم (تکنسین‌ها و دستیاران) و هفتم (صنعت‌گران) در مقایسه با مشاغل گروه اول (قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران) ثبات اشتغال زنان را کاهش ولی همچون سایر گروه‌های شغلی، ثبات اشتغال مردان را افزایش می‌دهد.

د) عواملی که از نظر معنی‌دار بودن تأثیر بر ثبات اشتغال، بین مردان و زنان شاغل مشترک هستند عبارت‌اند از:

- سکونت در آبادی و بیمه‌ی درمانی بودن که هر دو عامل موجب افزایش ثبات اشتغال می‌شوند اما این شدت افزایش در زنان بیش‌تر از مردان است.
 - مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی بودن در مقایسه با مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی بودن، داشتن سابقه‌ی کار کم‌تر از ۵ سال، نوجوان بودن و مسن بودن در مقایسه با میان‌سال بودن و محصل بودن که هر پنج عامل موجب کاهش ثبات اشتغال می‌شوند اما این شدت کاهش برای سه عامل نخست، در زنان و برای دو عامل بعدی در مردان بیش‌تر است.

مرجع‌ها

- [۱] آیت‌اللهی، سید محمدتقی؛ پوراحمد، سعیده؛ وکیلی، محمدعلی؛ حیدری، تقی (۱۳۸۴). مدل پروبیت و کاربرد آن در داده‌های پزشکی، اندیشه‌ی آماری، سال دهم، شماره‌ی یکم، ۳۶-۴۶.
- [۲] فلاح محسن‌خانی، زهره؛ جوادی، مریم (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی جوانان در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، پژوهشکده‌ی آمار، تهران.
- [۳] فرجادی، غلامعلی (۱۳۷۵). بازار کار، اشتغال و بیکاری، مؤسسه‌ی عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران.
- [۴] فرجی دانا، احمد؛ طائی، حسن (۱۳۷۹). الگوی تعیین هم‌زمان عرضه‌ی نیروی کار و تقاضای کالا در ایران، تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۵۷، ۶۱-۹۶.
- [۵] فلیحی، نعمت (۱۳۷۹). برآورد الگوهای عرضه و تقاضای نیروی کار در مناطق روستایی و بررسی میزان انعطاف‌پذیری بازار کار روستایی و شهری، برنامه و بودجه، شماره‌ی ۴۹ و ۵۰، ۶۵-۱۰۰.

- [۶] قدوسی، حامد (۱۳۸۶). مروری بر نظریه‌های توضیح‌دهنده‌ی رشد مشارکت زنان متأهل در بازار کار، نشریه‌ی زنان، شماره‌ی ۱۴۸، ۶۸-۶۲.
- [۷] مرکز آمار ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۵). نتایج آمارگیری از نیروی کار، تهران.
- [۸] مهران، فرهاد و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی خطاهای آماری آمارگیری نیروی مرکز آمار ایران، پژوهشکده‌ی آمار، تهران.
- [۹] نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۰). ابعاد و چالش‌های اساسی بازار کار در ایران، فصلنامه‌ی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌ی ۱۹ (پاییز)، ۸۴-۶۳.
- [۱۰] نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۱). ارزیابی آثار «چندشغلی» و «ساعات کار اضافی» بر بیکاری در بازار کار ایران، مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی، تهران.
- [۱۱] هرندی، فاطمه (۱۳۸۶). کار شایسته (Decent Work) و نماگرهای آن در ایران، برنامه و بودجه، شماره‌ی ۳، ۶۶-۳۷.
- [۱۲] هرندی، فاطمه؛ فلاح محسن‌خانی، زهره (۱۳۸۵). بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در بازار کار ایران (با استفاده از نماگرهای کار شایسته)، برنامه و بودجه، شماره‌ی ۵، ۷۷-۹۹.
- [۱۳] هرندی، فاطمه؛ فلاح محسن‌خانی؛ زهره (۱۳۸۶). اشتغال جوانان و چالش‌های آن، رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۵، ۱۴۶-۱۳۳.
- [۱۴] هرندی، فاطمه؛ جمشیدی، فرشید؛ فرهادی‌کیا، علیرضا (۱۳۸۵). روش مناسب ساخت مدل عرضه‌ی نیروی کار با توجه به ویژگی‌های متغیر پاسخ، دانش و توسعه، شماره‌ی ۱۹، ۱۳۴-۱۱۵.
- [15] Agresti, A. (2002). An Introduction to Categorical Data Analysis. Wiley, New York.
- [16] Stata Crop. (1997). Stata Statistical Software: Release 5.0. Stata corporation, TX.

مریم جوادی

فوق لیسانس آمار

تهران، خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان ۲۵، شماره‌ی ۵، پژوهشکده‌ی آمار.

رایانشانی: m_javadi@src.ac.ir

فاطمه هرندی

فوق لیسانس آمار

تهران، خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان ۲۵، شماره ۵، پژوهشکده‌ی آمار.

رایانشانی: harandi@src.ac.ir

زهره فلاح محسن‌خانی

دانشجوی دکتری آمار

تهران، خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان ۲۵، شماره ۵، پژوهشکده‌ی آمار.

رایانشانی: zohrehf@src.ac.ir